

ستیزه و ردّ حقیقت نداشتند. منافق که خود را در کنار مؤمن قرار می‌دهد، درگیر بازی خطرناکی شده که منجر به باخت ابدی اوست؛ زیرا اختلاف میان جان آن‌ها با یک‌دیگر بسیار است؛ اما منافق از اینکه او را مؤمن خطاب کنند، خشنود می‌شود و نمی‌داند که واژه‌ها به خودی خود اعتبار یا شرافتی ندارند.

حروف، مانند ظروفی‌اند که در آن‌ها معنا ریخته می‌شود و به همین ترتیب خداوند هم بحر معنا است و **أُمُّ الْكِتَابِ**^۱ یا **عِلْمُ جَامِعِ الْهَمِيِّ** نزد اوست. در این لوح، حقیقت نام‌های منافق و موافق بیان شده و وجود آنان محلی برای تجلی ماهیت حقیقی هر یک است؛ اما در هر حال، مبدأ آفرینش تمام اضدادی که وجودشان برای برقراری نظام دنیا ضروری است، واحد است، پس برای وصول به هستی حقیقی چاره‌ای جز آن نیست که از عالم تکثر^۲ و تنازع^۳ درگذری و به عالم وحدت و تفاهم توجه کنی. در سلوک^۴، وجود پیر یا مُرشد، همانند محک است که سالک را از گمراهی می‌رهاند؛ زیرا جان منور و بصیر او، حق را از باطل تمییز می‌دهد. تفاوت پیر راه‌دان با سالک یا عام خلق مانند تفاوت بین زنده و مُرده است. انسان زنده می‌تواند وجود خاشاک کوچک را در میان هزاران لقمه دریابد و تا آن را خارج نکند، نمی‌آرامد، اما مُرده هیچ چیز را حس نمی‌کند. نه خوب را و نه بد را.

کسی که گرفتار زندگی مادی است و در دلش تمایلی به درک حقایق نیست، با مُرده تفاوتی ندارد؛ زیرا در وجود او فقط حواس ظاهری، یعنی ابزار زندگی مادی فعال‌اند؛ اما حسی که کشش‌های معنوی را به وجود می‌آورد، جزو حواس ظاهری نیست، حس حق‌جویی است که ابزار زندگی معنوی و ادراک حقایق است. سلامت حواس ظاهری به کمک طبیبان بدن میسر می‌شود و سلامت حس حق‌طلبی به امداد طبیبان الهی. صحت حواس ظاهری با سلامتی بدن و صحت حواس باطنی با توجه به احوال درون، یعنی تهذیب نفس حصول می‌یابد.

تن، مانند خانه‌ای است که در آن گنج روح عالی علوی نهان شده و دست‌یابی به این گنج جز با کندوکاوی دقیق ممکن نیست، باید آن را از طریق توجه به عوالم درونی کاوید تا لحظه

۱. **أُمُّ الْكِتَابِ**: لوح محفوظ.

۲. **عالم تکثر**: عالم کثرت، دنیا، عالم ماده که در آن تفرقه هست و ظاهراً در آن وحدتی مشاهده نمی‌شود.

۳. **تنازع**: نزاع کردن، مخالفت، خصوصیت عالم ماده همین تکثر و تخالف و تنازع است، یعنی درگیری و مثل هم

نبودن. ۴. **سلوک**: در اصطلاح عرفا سفر روحانی و معنوی طالب حق برای رسیدن به مقام وصل و فنا.